

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

استدلال به دومين آيه

آيه دومي كه در بحث تلقیح نطفه اجنبی در رحم اجنبیه به آن استدلال شده است، آیه 5 سوره مؤمنون است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفُوجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ* فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ».

نکاتی راجع به این آیه در بحث گذشته عرض کردیم و در اشکال دوم استدلال به این آیه گفتیم که چون روایاتی داریم دال بر این که هر جا در قرآن حفظ الفرّج آمده است مقصود زنا است، الا در آیه 31 سوره نور که «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ بِحَفَظْنِ فُرُوجِهِنَّ» که روایات می گوید فقط در این آیه مقصود از حفظ الفرّج نگاه است، یعنی زن ها نباید بگذارند دیگران به فروج آنها نگاه کنند، گفتیم که اگر این روایات باشد که هست و در چند کتاب روایی هم نقل شده است اگر فقیهی بخواهد به این آیه «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفُوجِهِمْ حَافِظُونَ» استدلال کند می گوئیم این استدلال درست نیست، برای اینکه این آیه در مقام بیان حرمت زنا است «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفُوجِهِمْ حَافِظُونَ» یعنی مردانی که آمیزش نمی کنند مگر نسبت به ازواج و ملک یمینشان و دیگر نمی شود به آیه در ما نحن فیه استدلال کرد.

استدلال به صدر و ذیل آیه شریفه

و گفتیم که مدعی حرمت تلقیح می تواند در این آیه شریفه، هم به صدرش استدلال کند و هم به ذیل آن، و در جلسه گذشته فرقی را هم ذکر کردیم و گفتیم اگر بخواهیم به صدر آیه استدلال کنیم باید این حذف المتعلق یفید العموم را ضمیمه استدلال کنیم ولی اگر بخواهیم به ذیل آیه تمسک کنیم نیازی به ضمیمه این قاعده ندارد. این ذیل آیه «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» که ذلک به صدر آیه می خورد و ذلک یعنی مردان فقط نسبت به ازواج خودشان یا ملک یمین آمیزش می کنند، اگر کسی غیر از این عمل کرد فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (اینها تجاوزکارند). نتیجه این می شود که ما اگر بخواهیم ذیل آیه شریفه را با توجه به صدر آیه معنا کنیم و صدر آیه هم مربوط به زنا است ذیل آیه معنای محدودی پیدا می کند.

بیان روایتی در باب استمناء

اما - در آن جلسه گفتیم که در ذهن بنده است که روایتی در باب استمناء وجود دارد که بنده روایت را پیدا کردم - در باب حرمت استمناء که یک مطلبی است که تقریباً اتفاقی است - البته در میان فقهاء داشتیم که گفته اند استمناء اختیاراً جایز است اما نود درصد فقهاء استمناء را حرام می دانند بلکه از گناهان کبیره هم می دانند - وقتی به استمناء می رسند بحث در این است که

دلیل روایی، آن روایتی بود که در بحث های گذشته خواندیم که «كل ما أنزل رجل من مائه من هذا و شبهه فهو زنا» از امام سؤال کرده بود که «الرجل ینکح البهیمة» مردی با بهیمة ای وطی می کند «او یدلک» - که دیگر ندارد او یدلک البهیمة - آیا جایز است یا نه؟ که هم در ینکح البهیمة و هم در دلک انزال ماء است و امام در جواب فرمود «كل ما أنزل رجل من مائه من هذا و شبهه فهو زنی» اگر مرد ماء خود را انزال کند از طریق نکاح بهیمة و دلک و شبهه اینها آن هم زناست، که ما «فهو زنی» را معنا کردیم یعنی چه.

روایت حرمت استمناء

اما در روایتی وارد شده که یکی از اصحاب امام صادق (ع) از حضرت سؤال کرد که «بَیِّنْ لِي مِنَ الْقُرْآنِ»، برای حرام بودن استمناء، از قرآن برای ما دلیل بیاورید. حضرت به همین ذیل آیه تمسک می کند. «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» این روایت در ج 28، وسائل الشیعه چاپ آل البیت، کتاب الحدود، ص 364، باب سوم از ابواب نکاح بهائم، حدیث چهارم «احمد بن محمد بن عیسی فی نوادره» - یعنی کتابهای روایی که روایاتی را که در کتاب روایی دیگر نیست جمع کرده، تفسیرهای دیگری هم برای نوادر وجود دارد - عن أبیه قال سئل الصادق (ع) عن الخضضة - خضضة همین استمناء است، حضرت فرمود گناه بزرگی است - قد نهی الله عنه فی کتابه - خداوند در قرآن نهی کرده است - و فاعله کناح نفسه - و فاعلش مثل کسی است که با خودش وطی کند - ولو علمت بما یفعله ما أکلت معه - اگر بدانی آنچه را که او انجام می دهد حقیقتش چیست با او سر سفره غذا نمی نشستی - فقال السائل فبیِّن لی یا بن رسول الله من کتاب الله فیهِ، فقال قول الله عزّ و جلّ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» ذیل آیه دلالت بر این دارد که مرد از نظر حفظ الفرج فقط می تواند با حلیله خود ارتباط داشته باشد و در رابطه با حلیله خودش اگر انزالی از او صادر شد این مانعی ندارد، اما ما وَرَاءَ ذَلِكَ، یعنی اگر یک مردی با زن اجنبیه یا با بهیمة یا مردی خودش به تنهایی بخواهد استمناء کند، امام می فرماید «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» و هو مما وراء ذلك» یعنی این استمناء از مصادیق وراء ذلک است. در ادامه دارد: «فقال الرجل ایما اکبر الزنا او هی - از امام سؤال کرد که آیا زنا بدتر است یا خضضة - فقال هو ذنب عظیم - این استمناء گناه عظیمی است - قد قال القائل بعض الذنب أهون من بعض - امام فرمودند بعضی می گویند که گناهی از گناه دیگر کوچکتر است «و الذنوب كلها عظیم عند الله» گناه همه اش بزرگ است. این بحثی است که در مباحث عدالت مطرح می شود که آیا می توانیم گناهان را به دو بخش کبیره و صغیره تقسیم کنیم؟ برخی گفته اند تمامی گناهان کبیره است، هر ذنبی، ذنب عظیم است، این روایت هم مؤید آن است «الذنوب كلها عظیم عند الله لأنها معاصي و ان الله لا یحب من العباد العصیان» خداوند هم عصیان را دوست ندارد.

شاهد بحث در روایت

شاهد ما صدر روایت است که در این روایت امام به «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» برای حرمت استمناء استدلال کرده است. آیا ما می توانیم از «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» حرمت لواط را هم استفاده کنیم ولو در حرمت لواط انزال هم نباشد؟ اگر کل آیه را روی قاعده اشتراک گفتیم این «الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» اختصاص به رجال ندارد و در مورد نساء هم مطرح می شود، آیا می توانیم بگوییم مساحقه را هم شامل می شود؟ که ممکن است کسی استفاده کند که با توجه به این ذیل آیه، زنا، لواط، تفخیز، استمناء، لمس نامحرم و نگاه می شود مصداق برای فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ، و تا جایی که بگوییم شامل اجاره رحم هم بشود - اجاره رحم این است که نطفه زوج را با تخمک زوجه شرعی خودش تلقیح می کنند، منتهی چون رحم این زن قابلیت تحمل را ندارد، این نطفه ترکیب شده را داخل در رحم دیگری قرار می دهند و رحم دیگری را اجاره و عاریه می کنند برای این کار. قد یقال

بر اینکه ذیل آیه می‌گوید تمام اینها اشکال دارد، می‌گوید اگر زن اجازه داد که نطفه اجنبی در رحم او قرار داده شود می‌شود فَمِنْ اِبْتِغَى وَرَاءَ ذَلِكَ.

آن طرف قضیه، مردی انزال کرده و رفته و ماء را در اختیار مرکزی قرار داده، این را در رحم اجنبیه قرار داده اند، نمی‌توانیم بگوییم فَمِنْ اِبْتِغَى وَرَاءَ ذَلِكَ شامل مرد می‌شود، اما اگر گفتیم آیه اختصاص به رجال ندارد و شامل نساء هم می‌شود و در مورد نساء بگوییم حَافِظُونَ فَمِنْ اِبْتِغَى وَرَاءَ ذَلِكَ یعنی اجازه دهد نطفه غیر در رحم او قرار داده شود و نتیجه این می‌شود که این کار حرام است و جایز نیست.

نظر استاد

به نظر ما ذیل آیه با توجه به استدلالی که امام به آن کرده است بسیار محکم است. و می‌توان به آن استدلال کرد. دو آیه دیگر هم برای این مدعا وجود دارد که ببینیم که آن دو آیه هم دلالتش تام است یا نه؟